

بررسی، مقایسه و نقد دو تفسیر المیزان و مجمع البیان

از نظر منابع لغوی

محمد ملکی نهاوندی*

چکیده

دو تفسیر گران سنگ المیزان و مجمع البیان از مهم‌ترین و معتبرترین تفاسیر شیعه‌اند. توجه و استناد علمای بزرگ شیعه به این دو کتاب نشان‌دهنده قدرت علمی دو عالم بزرگ، علامه طباطبایی و طبرسی، در همه زمینه‌هاست. شناخت منابع لغوی مورد استفاده ایشان از جهات مختلف می‌تواند برای جامعه علمی و دانش‌پژوهان این مسیر ثمربخش باشد. با بررسی‌های انجام‌شده روشن می‌شود علامه طباطبایی و مرحوم طبرسی از عموم منابع اصلی لغت (معاجم لغت، کتاب‌های غریب‌القرآن، کتاب‌های غریب‌الحديث و کتاب‌های مفردات قرآن) بهره‌برده‌اند. بهره‌مندی بیشتر مجمع البیان از منابع اصیل نسبت به المیزان از نقاط مثبت این کتاب است. همچنین تکیه ۹۸ درصدی علامه طباطبایی به کتاب المفردات نقطه میهم و شاید قابل نقد ایشان در المیزان باشد. **واژگان کلیدی:** المیزان، مجمع البیان، علامه طباطبایی، طبرسی، قول لغوی، منابع لغوی، تفسیر.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ادیان و مذاهب maleki@noornet.net

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۱۰/۱۲.

مقدمه

علامه طباطبایی و مرحوم طبرسی دو تن از بزرگ‌ترین مفسران شیعه می‌باشند که دو تفسیر گران‌سنگ میزان فی تفسیر القرآن و مجمع البیان فی تفسیر القرآن را تقدیم عالم اسلام نموده‌اند. این دو کتاب ارزشمند، محل استناد همیشگی علمای شیعه و مورد توجه علمای اهل سنت بوده و بر همین اساس به شکل‌های مختلف مورد بررسی و روش‌شناسی محققان و دانشمندان علوم اسلامی قرار گرفته‌اند.

هرچند تفسیر میزان را در زمره تفاسیر قرآن به قرآن می‌دانند، اما کتاب در زمره تفاسیر جامعی قرار دارد که به همه لوازم یک تفسیر کامل متعهد بوده و از همه ابزارهای تفسیری بهره گرفته است (مصباح یزدی، مجله معرفت، ۱۴۰۱، ۱۴). لذا هر دو کتاب در زمره تفاسیر جامع قرار دارند، تفاسیری که، نسبت به فراهم بودن مقدمات تفسیری و بهره‌گیری از همه لوازم تفسیر، و توجه به همه جوانب تفسیر، توجه دارند (عمید زنجانی، ۱۳۶۸ ش: ۲۸۵). با وجود محوری بودن واژگان قرآن کریم در تفسیر آیات شریفه و قوت این دو کتاب در زمینه بررسی و بیان واژه‌های قرآن کریم، تاکنون در کتاب در این زمینه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

پیش از این، کتاب یا مقاله‌ای در زمینه بررسی منابع لغوی این دو کتاب شریف تدوین نشده، نه فقط در مورد این دو تفسیر بلکه در مورد دیگر منابع تفسیری نیز چنین بررسی صورت نگرفته است. تنها سه پژوهش به صورت مقاله به ظاهر مرتبط انجام شده که هیچ‌کدام در موضوع این مقاله نوشته نشده‌اند:

۱. در مقاله‌ای به نام «جایگاه مفردات راغب در واژه پژوهی علامه طباطبایی در میزان فی تفسیر القرآن» به جایگاه راغب در تفسیر کلمات قرآنی توسط علامه طباطبائی پرداخته شده است. در این مقاله تنها روش‌های استفاده علامه از المفردات و میزان استفاده ایشان بحث شده و حتی به درست بودن میزان استفاده و یا عدم آن هیچ اشاره‌ای نشده است. ولی در این نوشتار همه صاحبان لغت مورد هدف هستند و راغب نیز یکی از ایشان خواهد بود.

۲. در مقاله‌ای دیگر با نام «معناشناسی در زمانی واژگان قرآن در تفسیر المیزان»، میزان تأثیرات گذشت زمان بر لغات قرآن از منظر تفسیر المیزان بررسی شده و به آنچه ما درصدد بررسی آن هستیم، متعرض نشده است.

۳. و در آخرین مقاله مرتبط با نام «نگاهی به مبانی فهم مفردات قرآن و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی»، بدون توجه به منابع مفرد شناسی، تنها مبانی و اصول مفردشناسی همراه با مبانی مرحوم علامه در یافتن معانی کلمات قرآن کریم بررسی شده و منابع لغوی علامه در المیزان مورد توجه نبوده است.

در این مختصر ضمن معرفی موشکافانه مهم‌ترین علمای لغت و قوی‌ترین منابع لغوی و دسته‌بندی نتیجه‌گرای آن‌ها، میزان اعتماد و استناد این دو مفسر بزرگ به منابع اصیل زبان عربی و معرفی آن دسته از لغوی‌ها که بیشترین تأثیر را بر نظرات ایشان داشته‌اند بررسی خواهیم کرد.

قطعاً فاصله زمانی مرحوم علامه - متوفای ۱۴۰۲ هجری قمری - با مرحوم طبرسی - متوفای ۵۴۸ق - بسیار زیاد است، اما برای ما از آن جهت مهم است که نوع نگرش دو مفسر بزرگ در دو زمان کاملاً متفاوت را بیان می‌کند. چه اینکه مرحوم طبرسی در زمانی می‌زیسته که تاریخ گواه وجود عرب اصیل تا آن زمان است و مرحوم علامه در زمان معاصر و عصر تغییرات بسیار فراوان لغت عرب، اقدام به تفسیر قرآن نمودند.

این پژوهش در دو مرحله انجام می‌پذیرد:

۱. در ابتدا ضروری است مهم‌ترین منابع اصیل لغت عربی و قوی‌ترین لغوی‌ها را بشناسیم. چرا منابع لغت عربی محدود و شناخته شده هستند، همچنین لغوی‌های مطرح زبان عربی نیز در طول تاریخ مورد شناخت همه می‌باشند. حال می‌توان بر اساس شکل و شرایط اعتبار هر یک از منابع و نظرات هر یک از لغوی‌ها مشخص کرد یک مفسر برای فهم آیات قرآن کریم و در صورت انجام یک کار لغوی در تفسیرش، باید به چه منابع و نظرات چه لغوی‌هایی استناد و اعتماد کند.

۲. در مرحله دوم به صورت میدانی هر دو کتاب بررسی خواهند شد و میزان استناد هر یک از دو مفسر جلیل‌القدر به منابع لغت و لغوی‌های مزبور مشخص و ارزیابی می‌شود.

۱. منابع لغت عربی

کتاب‌هایی که در زمینه جمع‌آوری و شرح لغات عربی نوشته شده است، به دو دسته اصلی تقسیم

می‌شوند^۱: (گروهی، درآمدی بر لغت‌شناسی، ۱۳۹۵: ۳۹ - ملکی نهاوندی، ۱۳۹۲ ش: ۴۵)

- معاجم لغوی
- منابع عهده‌دار شرح کلمات دینی - شامل کتاب‌های غریب القرآن، غریب الحدیث و مفردات قرآن -

۱- ۱. معاجم لغوی

وظیفه اصلی معاجم لغت، گزارش معنای صحیح کلمات از عرب اصیل به دیگران است (مجاهد مرداوی، ۱۴۱۳ ق: ۲۴۵)، از این رو بهترین گزارش معنایی، مربوط به معجمی است که مستقیماً با عرب اصیل در ارتباط بوده و کلمات و معانی مورد نظر را از ایشان گرفته باشد (ازهری، ۱۴۲۲ ق، ۱: ۵). این ملاک مهم، می‌تواند وجه تقسیم خوبی برای معاجم زبان عربی باشد. بر این اساس معاجمی که مؤلفان آن، عرب اصیل را درک کرده باشند، قطعاً گزارش کامل‌تر و کم نقص‌تری از معانی کلمات ارائه کرده‌اند و بقیه معاجم، آن اعتبار لازم را برای این مهم نخواهند داشت. پس بر این اساس معاجم لغت را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: معاجم اولیه، معاجم ثانویه.

۱- ۱. ۱. معاجم اولیه

معاجم اولیه معجمی هستند که مؤلفان آن‌ها توانسته‌اند با عرب اصیل ارتباط برقرار کرده و کلمات عربی و شرح آنها را مستقیماً از آن‌ها دریافت کنند. تاریخ مؤید این مسئله است که سال‌ها پس از ظهور اسلام، هنوز عرب اصیل وجود داشته، عربی که با هیچ گروه دیگری اختلاط نداشته و زبان عربی‌شان به همان فصاحت و اصالت صدر اسلام بوده، تا آنجا که ابومنصور ازهری (۳۷۰ ق) چهار قرن پس از ظهور اسلام، مدعی ملاقات با عرب اصیل بوده است (ازهری، ۲۰۰۱ م، ج ۱: ۸) و همین ادعا را در بیان کسی همچون جوهری نیز می‌بینیم (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۳). طبیعتاً منبع اصلی این کتاب‌ها: عرب اصیل، دیگر منابع اولیه و کتاب‌های کوچکی که به «الرسائل اللغویه» مشهورند و به دست ما نرسیده (بحیری، ۱۴۲۸ ق: ۱۱۱)، می‌باشد.

۱. پرواضح است در این پژوهش، هدف منابعی است که به‌عنوان منابع زبان عربی نوشته شده و مطرح می‌باشند. بنابراین منابعی همچون: احادیث شریفه، اشعار و نثر عرب، همچنین قرآن کریم و برخی تفاسیر قرآن نیز از منابع زبان عربی به شمار می‌روند، اما در اینجا، آنچه مورد نظر است منابعی است که فلسفه تدوین آنها، شرح کلمات عربی است و اصالتاً برای جمع‌آوری کلمات عربی و شرح آنها تدوین شده‌اند و می‌توان «قول لغوی» را در آنها یافت.

با توجه به اینکه آخرین مدعی ارتباط با عرب اصیل و گرفتن معانی کلمات از آنها، زمخشری (ت ۵۳۸ق) می‌باشد (زمخشری، بی تا: ۷)؛ از این رو تنها معاجمی که تا زمان زمخشری تدوین شده‌اند و مورد توجه و استناد همه علمای پس از خود بودند؛ معاجم اولیه خواهند بود. مهم‌ترین معاجم تا آن زمان از قرار ذیل می‌باشند (طیب حسینی، ۱۳۹۰ ش: ۷۵- گروهی، ۴۷- بحیری، ۱۴۲۸ ق: ۱۱۵):

العین اثر خلیل بن احمد فراهیدی (ت ۱۷۵ق)؛

الجیم اثر اسحاق بن مرار ابو عمرو شیبانی (ت ۲۰۶ق)؛

جمهرة اللغه اثر ابوبکر محمد بن حسن ازدی البصری، معروف به ابن درید (ت ۳۲۱ق)؛

معجم تهذیب اللغة اثر ابومنصور محمد بن احمد ازهری (ت ۳۷۰ق)؛

المحیط اثر صاحب اسماعیل بن عبّاد (ت ۳۸۵ق)؛

الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه) اثر ابونصر اسماعیل بن حماد جوهری (ت ۳۹۳ق)؛

معجم مقاییس اللغة اثر ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا (ت ۳۹۵ق)؛

مجمّل اللغة اثر ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا (ت ۳۹۵ق)؛

المخصص فی اللغة اثر علی بن اسماعیل معروف به ابن سیده (ت ۴۵۸ق)؛

المحکم و المحيط الاعظم اثر ابوالحسن علی بن اسماعیل معروف به ابن سیده (ت ۴۵۸ق)؛

اساس البلاغه اثر ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (ت ۵۳۸ق).

۱- ۲. معاجم ثانویه:

معاجم ثانویه، معاجمی هستند که ادعای ارتباط با عرب بادیه‌نشین را نداشته و تاریخ هم گواه

همین مطلب است. مهم‌ترین معاجم مطرح پس از زمخشری عبارت‌اند از (همان):

شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولم، اثر نشوان بن سعید حمیری یمنی (ت ۵۷۳ق)

لسان العرب اثر محمد بن مکرم بن علی ابن احمد انصاری افریقی مصری مشهور به ابن منظور

و ابن مکرم (ت ۷۱۱ق)؛

المصباح المنیر اثر احمد بن محمد بن علی فیومی مقری (ت ۷۷۰ق)؛

القاموس المحيط والقابوس الوسیط اثر محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم ملقب به

مجدالدین و مکتبی به ابو طاهر و معروف به فیروزآبادی (ت ۸۱۷ق)؛

تاج العروس (جامع‌ترین معجم زبان عربی) اثر محمد مرتضی الحسینی زبیدی (ت ۱۲۰۵ق)

۱- ۲. مهم‌ترین کتاب‌های غریب القرآن و غریب الحدیث

دانش غریب الحدیث و غریب القرآن، عهده‌دار جمع‌آوری و بیان کلمات مبهم قرآن کریم و روایات شریفه می‌باشند (خطابی، ۱۴۰۳ ق: ۷۰ - ابن صلاح، ۱۴۲۳ ق: ۳۷۵ - خیرآبادی، ۱۴۲۶ ق: ۲۹۷ - احمد مختار، ۱۴۱۸ ق: ۱۰۳ - شرقاوی، بی‌تا: ۵۷) و در این زمینه کتاب‌های زیادی نگاشته شده است اما آنچه به‌عنوان مهم‌ترین کتاب‌ها در این زمینه ذکر شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش: ۱۰ - زیدبن علی، محقق: حسینی جلالی، ۱۳۷۶ ش: ۲۵)، موارد ذیل است:

غریب القرآن زید، بن علی بن الحسین (ت ۱۲۲ ق)

الغریب فی القرآن، ابان بن تغلب (ت ۱۴۱ ق)

معانی القرآن، ابو زکریا فراء (ت ۲۰۷ ق)

مجاز القرآن، أبو عبیده معمر بن مُثَنَّى (ت ۲۱۰ ق)

الغریب المصنّف، ابو عبید قاسم بن سلام (ت ۲۲۴ ق)

غریب القرآن، ابن قتیبہ دینوری (ت ۲۷۶ ق)

غریب الحدیث، ابن قتیبہ (ت ۲۷۶ ق)

غریب الحدیث، حربی (ت ۲۸۵ ق)

نزهة القلوب، أبو بکر محمد بن عزیز سجستانی (ت ۳۳۰ ق)

غریب الحدیث، خطابی البُستی (ت ۳۸۸ ق)

کتاب الغریبین، ابو عبید احمد بن محمد الهروی (ت ۴۰۱ ق)

معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی (ت ۵۰۳ ق)

الفائق فی غریب الحدیث، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (ت ۵۳۸ ق)

المجموع المغیث فی غریب القرآن و الحدیث، ابو موسی المدینی الاصفهانی (ت ۵۸۰ ق)

النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، مجدالدین الجزری ابن الاثیر (ت ۶۰۶ ق)

تحفة العربی بما فی القرآن من الغریب، أبو حیان اندلسی (ت ۷۴۵ ق)

مجمع البحرین و مطلع النیرین، الشیخ فخرالدین الطریحی النجفی (ت ۱۰۸۵ ق)

۲. لغوی

با وجود حضور پررنگ اقوال لغوی‌ها در علوم مختلف اسلامی و حتی بحث‌های فراوان در مورد

«حجیت قول لغوی» در کتاب‌های اصول فقه؛ تاکنون هیچ تعریفی از «لغوی» ارائه نشده و حدود معنایی خاصی برای آن مشخص نشده است. حتی در منابع لغوی و ادبی نیز که واژه «لغوی» واژه‌ای معروف شناخته شده است و تعریفی از آن به چشم نمی‌خورد. تنها در برخی منابع لغوی، شرایط قبول قول لغوی آمده که آن هم گویای تعریفی جامع نمی‌باشد (سیوطی، المزهر، بی‌تا: ۸۱).

با مطالعه در مورد شخصیت‌های لغوی مطرح عرب در کتاب‌های تراجم و تاریخ، می‌توان به تعریفی جامع برای «لغوی» رسید. قطعاً بررسی زندگی‌نامه تعدادی از این افراد می‌تواند معرفت شخصیت «لغوی» باشد. خلیل بن احمد (امین، ۱۴۰۳ ق: ۳۳۷)، ازهری (حموی، بی‌تا، ۱۶۴: ۹)، ابن فارس (غازی مختار طلاس، ۱۹۹۹ م: ۲۱۱)، ابن درید (حموی، معجم البلدان، بی‌تا، ۶: ۲۴۹ - ابن ندیم، بی‌تا: ۶۷)، جوهری (ابن ندیم، بی‌تا: ۷۰)، ابن سیده (سیوطی، بغیة الوعاة، بی‌تا، ۱: ۴۴۸)، ابن اثیر (حموی، معجم الأدباء، ۱۴۱۴ ق، ۱۷: ۷۱)، ابو عمرو شیبانی (جون هیوود، بی‌تا: ۱۷۳) و... هر یک می‌توانند معرفت مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت «لغوی» باشند. با توجه به زندگی‌نامه این بزرگان در منابع ذکر شده، ویژگی‌های ذیل، اجزای اصلی تشکیل‌دهنده شخصیت «لغوی» می‌باشد:

۱. آشنایی کامل با زبان عربی و کلمات عربی؛

۲. ارتباط با عرب اصیل بدون واسطه؛

۳. داشتن قصد برای انجام کار لغوی؛

۴. داشتن فضل علمی که لازمه‌اش امانت و صداقت در انتقال معانی و پرهیز از وارد کردن نظرات شخصی در شرح کلمات است؛ - این شرط مورد تصریح بسیاری از بزرگان است - (صدیق، بی‌تا: ۸۱).

با آنچه گفته شد تعریف ذیل، شایسته «لغوی» است:

«لغوی کسی است که با زبان عربی و کلمات آن آشنایی کامل داشته و ضمن ارتباط مستقیم با عرب اصیل، اقدام به جمع‌آوری و بررسی کلمات عربی کرده و ضمن توجه به مباحث اصولی لغت - و در صورت ضرورت -، اقدام به تألیف رساله یا معجم برای شرح آن واژگان می‌نماید.»

۳. ارتباط لغوی با غریب نگار

همچنان که روشن است کتاب‌های غریب القرآن عهده‌دار شرح معنای کلمات مبهم قرآن کریم می‌باشند (احمد مختار، ۱۴۱۸ ق: ۱۰۳ - شرقاوی، ۱۴۰۷ ق: ۱۴ - سالم مکرم، بی‌تا: ۵۷) و کتاب‌های غریب

الحديث نیز به بیان و شرح کلمات غامض و دارای ابهام احادیث می‌پردازند (خطابی، ۱۴۰۳ ق: ۷۰)، اما دو سؤال مهم وجود دارد:

یک. تعریف «لغوی» آیا شامل غریب نگاران نیز می‌شود یا اینکه تنها اختصاص به معجم نگاران لغت دارد؟

دو. آیا می‌توان به کتاب‌های غریب همچون معاجم لغت استناد و احتیاج نمود؟ در پاسخ به سؤال اول باید گفت غریب نگاران به دو دسته تقسیم می‌شوند: غریب نگارانی که به‌عنوان «لغوی» مشهور نیستند و به این عنوان شناخته نشده‌اند. غریب نگاران لغوی که در تاریخ به‌عنوان صاحب‌نظر در لغت شناخته شده‌اند.

دسته اول که تنها به بررسی کلمات قرآن کریم و یا احادیث شریفه پرداخته‌اند و آثاری در همین رابطه بر جای گذاشته‌اند، بیشتر مفسران و یا محدثانی بودند که در دانش لغت خبرویت خاصی نداشته‌اند اما با جمع‌آوری کلمات غریب قرآن و احادیث، و بهره‌مندی از منابع لغوی و غریب و کتاب‌های تفسیری، معانی آنها را شرح کرده‌اند. این دسته از غریب نگاران در واقع مفسران و شارحان موفق بودند که در بررسی‌های لغوی به دیگران استناد کرده و خود صاحب‌نظر نبودند. ایشان می‌توانند راویان معتمدی باشند و در انتقال معانی از طبقات قبل (به بعد از خود) سهیم باشند. اما قول آنها به‌عنوان یک لغوی شناخته نمی‌شود و با آنها معامله قول لغوی نمی‌شود. کسانی همچون حربی، هروی و ابوموسی مدینی از جمله این افراد هستند. با بررسی کتاب‌های پس از این دو، مشاهده می‌شود هیچ استنادی به نظرات آنها نشده و نظرات آنها در هیچ‌یک از کتاب‌های علوم اسلامی به‌عنوان نظری لغوی منعکس نشده است.

دسته دیگر از غریب نگاران، کسانی هستند که در تاریخ به‌عنوان یک لغوی شناخته شده‌اند. به‌عنوان نمونه زمخشری را یک لغوی قوی می‌دانند (حموی، معجم البلدان، بی‌تا، ۲: ۱۴۷ - قفقسی، ۱۴۲۶ ق: ۱۴۷) و یا وقتی به شرح حال غریب نگاری همچون ابن اثیر مراجعه می‌کنیم، او را به‌عنوان محدثی لغوی می‌شناسند و تبحر او در لغت مورد توجه ترجمه نگاران قرار دارد (ابن خلکان، ۱۹۷۲ م، ۴: ۱۴۲ - یاقوت، ۱۴۰۰ ق، ۱۷: ۷۱ - ابن اثیر، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۳۳۳). و همچنین در مورد راغب اصفهانی که صاحب کتاب المفردات - کتابی که بیشتر به‌عنوان یک غریب القرآن شناخته شده است - او را

یک لغوی می‌شناسند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲، ش، ۲: ۱۱۳). این دسته از غریب نگاران، جایگاهی لغوی دارند و نظرات لغوی آنها قابل احتجاج است.

نسبت به سؤال دوم نیز باید گفت کتاب‌های غریب برخلاف معاجم لغت، نتیجه بررسی‌های لغوی غریب نگاران و در نهایت نظر نهایی ایشان نسبت به معانی کلمات در عبارات قرآنی و حدیثی است. به تعبیری دیگر غریب نگاران، عهده‌دار بیان معنای استعمالی کلمات می‌باشند و معانی ذکر شده در کتاب‌هایشان عمدتاً نتیجه بررسی آنها و ناظر به معنایی است که یک کلمه در عبارت دارد. به بیانی روشن‌تر، معانی ذکر شده در کتاب‌های غریب، نتیجه بررسی مؤلف و اجتهاد اوست. در چنین شرایطی اقوال کسانی همچون ابن اثیر، راغب و زمخشری در کتاب‌های النهایه و المفردات و الفائق - با وجود اینکه این افراد قطعاً لغوی می‌باشند - ، قول لغوی به حساب نمی‌آید، بلکه نتیجه بررسی آنها و به تعبیری دقیق‌تر نتیجه اجتهاد آنها نسبت به یک معنای استعمالی است و قابل احتجاج نمی‌باشد و تنها می‌توان به آن اعتماد کرد.

پرو روشن است احتجاج با اعتماد بسیار متفاوت است و آنچه در کتاب‌های اصول فقه مطرح است و در این جا مورد نظر ماست. احتجاج به قول لغوی به معنای حجت بودن یا حجت نبودن آن و نه قابل اعتماد بودنش است. احتجاج مورد نظر بدین معناست که در مقابله با خصم دلیلی داشته باشی که به وسیله آن خصم را بتوانی مغلوب کنی و خصم نتواند در مقابل دلیل تو ایستادگی کند (خلیل بن احمد، ۳، ۱۰۰۴) و به معنای واضح‌تر احتجاج آن است که حجت و دلیل برای غلبه قطعی داشته باشی (حمیری، ۳، ۱۳۰۰) برخلاف اعتماد که به معنای تکیه کردن بر چیزی است (جوهری، ۲، ۵۱۲، و فیومی، ۲، ۴۲۸) و جایی برای استدلال و غلبه بر خصم وجود ندارد.

نتیجه مباحث ذکر شده و پیش‌فرض مهم برای بررسی منابع لغوی دو کتاب المیزان و مجمع‌البیان تفاسیر دو نکته مهم خواهد بود:

یک. با وجود معاجم اولیه، استناد به معاجم ثانویه در اولویت نمی‌باشد و حتی در بسیاری موارد خطا خواهد بود.

دو. کتاب‌های غریب به بررسی اجتهادی معنای کلمات در آیات قرآن و احادیث پرداخته‌اند و با وجود اینکه درصد قابل توجهی از غریب نگاران، در واقع لغوی بودند، استناد و احتجاج به این منابع، صحیح نمی‌باشد و تنها قابل اعتماد خواهند بود.

۴. میزان اعتماد و استناد علامه طباطبایی و مرحوم طبرسی به منابع لغت

۴ - ۱. معاجم لغت

مرحوم علامه و مرحوم طبرسی در کتاب‌های خود از تعدادی از معاجم معتبر لغت استفاده و نقل قول کرده‌اند. آمار ذیل گویای میزان استفاده ایشان از معاجم لغت می‌باشد^۱:

ردیف	نوع منبع	نام کتاب	نام مؤلف	تعداد در المیزان	تعداد در مجمع	توضیحات
۱	معاجم اولیه	العین	خلیل بن احمد	۱۱	۱۰۱	
۲		تهذیب اللغه	ازهری	۱	۵۶	
۳		الجمهره فی اللغه	ابن درید	۱	۱۷	
۴		الصحاح فی اللغه	جوهری	۳۴	۰	
۵		مقایس اللغه	ابن فارس	۲	۱	
۶		اساس البلاغه	زمخشری	۰	۳	
۷	معاجم ثانویه	لسان العرب	ابن منظور	۷	۰	ابن منظور متوفای ۷۱۱ هجری و مرحوم طبرسی متوفای ۵۴۸ می‌باشد
۸		المصباح المنیر	فیومی	۳	۰	فیومی متوفای ۷۷۰ می‌باشد و بعد از مرحوم طبرسی متولد شده است

۵۶ دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی | شماره پنجم / تابستان و پاییز ۱۳۹۸

۱. آماري که در سه جدول ذیل آمده است ابتدا در نرم افزار جامع التفاسیر بدست آمده و سپس یک به یک آنها دوباره خوانی و بررسی شده است.

۴ - ۲. کتاب‌های غریب

این دو عالم بزرگ از کتاب‌های غریب نیز بهره فراوان برده‌اند. اعداد ذیل نشان‌دهنده مواردی است که در کتاب‌هایشان بدانها تصریح شده است:

ردیف	نوع کتاب	نام کتاب	نام مؤلف	تعداد در المیزان	تعداد در مجمع	توضیحات
۱	غریب القرآن	معانی القرآن	فراء	۵	۳۷۵	
۲		المفردات	راغب اصفهانی	۵۳۰	۰	راغب متوفای ۵۰۲ هجری می‌باشد و تا حدودی معاصر مرحوم طبرسی است.
۳	غریب الحدیث	النهایه فی غریب الحدیث و الاثر	ابن اثیر	۳	۰	ابن اثیر متوفای ۶۳۰ هجری می‌باشد و بعد از مرحوم طبرسی می‌زیسته

۴ - ۳. الفاظ دال بر استفاده از منابع لغوی

در این دو کتاب، تعابیری دال بر استدلال و استناد و تکیه بر نظرات لغوی‌ها و اهتمام ایشان نسبت به منابع لغت عربی وجود دارد. تعابیر ذیل و آمار مربوطه در دو کتاب را ملاحظه فرمایید:^۱

ردیف	تعبیر	تعداد در المیزان	تعداد در مجمع	توضیحات
۱	«اللغة» در عباراتی همچون: عرف فی اللغة. فی اصل اللغة. قال اهل اللغة. فی لغة العرب.	۱۰۶	۱۲۹۸	حدود ۱۰۰۰ مورد در مجمع مربوط به عنوان «اللغة و الاعراب» است که ذیل این عنوان، بررسی لغوی کلمات انجام شده است.
۲	«العرب» در ترکیباتی همچون: کما فی کلام العرب. قال العرب. عند بعض العرب. عند العرب. جاز عند العرب	۴۲۲ (۲۰ درصد لغوی)	۵۹۸ (۹۰ درصد لغوی)	عبارات مزبور در برخی موارد نکته‌ای لغوی نبوده و به مباحث تاریخی، فرهنگی و... اشاره دارد. لذا درصد هر یک را مشخص کرده‌ایم.
۳	«اللغوی» در ترکیباتی همچون: معناه اللغوی.	۲۹	۰	

۱. تعابیر دیگری که گویای بهره‌گیری ایشان از منابع لغت باشد، یافت نشد.

۴ - ۴. بررسی و پردازش آمار

۴ - ۴ - ۱. شباهت‌ها:

هر دو عالم بزرگ، شناخت خوبی از لغوی‌های دارای معجم داشته به شکلی که بیشترین استنادشان (به معاجم) منحصر به معاجم اولیه است.

تنوع بهره‌گیری از معاجم لغت، نشان‌دهنده توجه جدی ایشان به بررسی نظرات مختلف می‌باشد. توجه دادن به نظرات لغوی‌ها با تعبیری نظیر «اللغوی» و «کلام العرب»، و آمار بالای این مسئله در هر دو کتاب، نشان‌دهنده حضور جدی نظرات لغوی‌ها و اهتمام ایشان به نظرات ایشان است. استفاده از نظرات کسی همچون فراء لغوی (که معجم لغوی ندارد و تنها یک کتاب غریب دارد)، نشان‌دهنده شناخت این دو عالم فرزانه از لغوی‌هاست، چه اینکه فراء یک لغوی قهار است ولی کتاب لغوی ندارد.

تکیه هر یک از دو مؤلف به یکی از غریب‌نگاران جالب توجه است، به شکلی که مرحوم علامه ۵۳۰ بار به نظرات راغب در المفردات و مرحوم طبرسی ۳۷۰ بار به نظرات فراء در معانی القرآن استناد کرده‌اند.

۴ - ۴ - ۲. تفاوت‌ها

۱. در مجمع البیان نزدیک به چهار برابر بیشتر از المیزان به معاجم اولیه استناد شده است.
۲. با توجه به زمان تدوین مجمع، هیچ استنادی به معاجم ثانویه در کتاب وجود ندارد.
۳. در مجمع البیان ده برابر بیشتر از المیزان به کتاب العین - اولین معجم جامع لغوی - استناد شده است.
۴. در المیزان به دو معجم اولی مهم تهذیب اللغه و الجمهرة تنها ۱ بار استناد شده درحالی‌که در مجمع البیان به ترتیب ۵۶ و ۱۷ بار به این دو منبع استناد شده است.
۵. در مجمع بیش از چهار برابر بیشتر از المیزان تعبیری همچون: عرف فی اللغة، فی اصل اللغة، قال اهل اللغة، فی لغة العرب، کما فی کلام العرب، قال العرب، عند بعض العرب، عند العرب، جاز عند العرب و... آمده است و حال و هوای لغوی مجمع را بیشتر می‌نماید.
۶. در المیزان ۴۹ مورد استناد به معاجم لغت وجود دارد درحالی‌که در مجمع ۱۷۸ مورد است.
۷. در المیزان ۵۳۸ بار به منابع غریب استناد شده درحالی‌که در مجمع ۳۷۵ مورد وجود دارد.

۵. نتیجه

۱. هر دو عالم جلیل القدر شیعه، منابع لغوی را منابعی ضروری در کنار دیگر منابع برای تفسیر کامل کلمات و عبارات قرآنی می‌دانند. این مهم در استنادات ایشان به منابع لغت و غریب و عباراتی که گویای اعتماد بر لغت عربی است، قابل مشاهده است؛
۲. با وجود قرآن به قرآن بودن تفسیر المیزان ایشان از منابع لغوی به‌عنوان یک منبع لازم بسیار بهره‌برده است به طوری که بیش از ۸۰۰ بار به منابع لغت عرب و یا اقوال و آنچه در لغت عرب آمده است استناد کرده است، با این وجود با توجه به اولویت معاجم اولیه نسبت به دیگر معاجم و منابع لغوی، حضور کم‌رنگ این معاجم در المیزان نسبت به مجمع، قابل تأمل و شاید اشکال باشد؛
۳. با توجه به آنکه «قول لغوی» تنها در معاجم لغوی - و آن هم در معاجم اولیه - قابل دریافت است، استناد بیش از یازده برابری مرحوم علامه به منابع غریب نسبت به معاجم (نسبت ۵۳۸ به ۴۹)، قدرت احتجاج علامه به نتایج بررسی‌های لغوی‌اش را ضعیف می‌کند. البته این مسئله در مجمع نیز با درصدی پایین‌تر قابل مشاهده است، چه اینکه مرحوم طبرسی از کتاب‌های غریب دو برابر بیشتر از معاجم لغت استفاده کرده است (نسبت ۳۷۵ به ۱۷۸)؛
۴. علامه ۵۳۸ بار به کتاب‌های غریب استناد کرده، و ۵۳۰ مورد آن، مربوط به المفردات راغب است. این در حالی است که تمام استنادات ایشان به منابع لغت عرب (اعم از معاجم و کتاب‌های غریب)، ۵۸۷ می‌باشد. و این رقم یعنی ۹۸ درصد از استنادات لغوی ایشان، مربوط به المفردات است. این ارقام با توجه به آنچه در مباحث مقدماتی گفته شد:
الف. نشان می‌دهد عمده نظرات لغوی علامه، قابل احتجاج نمی‌باشد و تنها برای کسانی که به جایگاه علمی کم‌بديل ایشان اعتقاد دارند، قابل اعتماد است؛
ب. پایه‌های لغوی تفسیر المیزان به نوعی بسته به جایگاه لغوی راغب و کتاب المفردات است و هرگونه خدشه در قوت علمی راغب در المفردات، می‌تواند نتیجه بررسی‌های لغوی علامه را متزلزل کند؛
ج. با توجه به وجود بیش از ۳۳ منبع معتبر لغوی (اعم از معاجم و کتاب‌های غریب که در مباحث مقدماتی معرفی شدند)، تکیه ۹۸ درصدی به یک منبع و آن هم یک منبع غریب القرآن، سؤال‌ی است که یک محقق می‌تواند از مرحوم علامه داشته باشد و اشکالی است که پاسخی برای آن دیده نمی‌شود. کاش ایشان در مقدمه کتاب در کنار بیان گویایی که نسبت به دیگر مهمات کتاب داشتند به این نکته نیز توجه می‌دادند و توضیحی ارائه می‌فرمودند.

فهرست منابع

عربی

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن جنی، ابو الفتوح، الخصائص، المكتبة التوقیفیه، الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الرابعة، ۱۹۵۲ م.
۳. ابن خلكان، وفیات الاعیان، دار صادر بیروت، ۱۹۷۲ م.
۴. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
۵. ابن فارس، احمد، الصحابی فی فقه اللغة سنن العرب فی كلامها، تصحیح مصطفی شویهی، بدران بیروت، ۱۳۸۲ ق.
۶. _____، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون، عبدالسلام محمد، مكتب الاعلام الاسلامی قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار صادر بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۸. ابن ندیم، محمد، الفهرست، طبع الرحمانیه مصر، بی تا.
۹. احمد مختار، البحث اللغوی عند العرب، عالم الكتاب، الطبعة الثامنة، ۲۰۰۳ م.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق ریاض زکی قاسم، دارالمعرفة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. بیومی، سعید احمد، ام اللغات دراسة فی خصائص اللغة العربیة، مكتبة الادب، مصر ۱۴۲۳ ق.
۱۳. جون لیونز، اللغة و علم اللغة، دار النهضة العربیة، الطبعة الاولى، ۱۹۷۴ م.
۱۴. جون هیوود، المعجمیة العربیة نشاتها و مكاتنها فی تاریخ المعجمیات العام، ترجمه عناد غزوان، المجمع العلمی بغداد، بی تا.

١٥. جوهري، الصحاح في اللغة، تحقيق احمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين، بيروت، ١٤٠٧ هـ.ق.
١٦. حموى ياقوت، معجم البلدان، دار صادر بيروت، بي.تا.
١٧. ———، معجم الأدباء، دارالغرب الاسلامى بيروت، تحقيق احسان عباس، الطبعة: الأولى، ١٤١٤ق، ١٩٩٣ م.
١٨. حميرى، نشوان بن سعيد، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، ١٢ جلد، دار الفكر - دمشق، چاپ: اول، ١٤٢٠ق.
١٩. خطابى، غريب الحديث، تحقيق عبدالكريم ابراهيم غرباوى، جامعة أم القرى دمشق دارالفكر، ١٤٠٣ق.
٢٠. خيرآبادى، محمّد ابوالليث، علوم الحديث اصيلها و معاصرها، مؤسسه الرساله ناشرون بيروت، الطبعة الاول ١٤٢٦ ق.
٢١. ذهبى شمس الدين محمّد بن احمد بن عثمان، سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسى، ناشر مؤسسه الرساله بيروت، الطبعة التاسعه، ١٤١٣ ق.
٢٢. زبيدى، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الهداية، ١٢٨٩ ق.
٢٣. زمخشري، محمود بن عمر، أساس البلاغة، دار الرصاد، بيروت، چاپ اول، بي.تا.
٢٤. ———، الفائق في غريب الحديث و الاثر، بيروت، چاپ اول، تحقيق ابراهيم شمس الدين، دارالكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ١٤١٧ ق.
٢٥. زيد بن على بن الحسين، تفسير غريب القرآن، تحقيق حسيني جلالى، مكتب اعلام الاسلام، چاپ دوم، ١٣٧٦ ش.
٢٦. سميح ابو مغلى، فى فقه اللغة و قضايا العربية، دار مجلاوى عمان، چاپ اول، ١٤٠٧ ق.
٢٧. سيد خضر، اللغة العربية و مشكلاتها و سبل النهوض بها، جامعة المنصورة، الطبعة الاولى ٢٠٠٤ م.
٢٨. سيوطى جلال الدين، المزهرة فى علوم اللغة و انواعها، المكتبة العصرية، بيروت، لبنان، ١٤٠٨ ق.
٢٩. ———، بغية الوعاة، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، المكتبة العصرية، لبنان، بي.تا.
٣٠. شرقاوى أحمد، معجم المعاجم، دار الغرب الاسلامى، ١٩٩٣ م.

۳۱. شبانی ابو عمرو، الجیم، تحقیق دکتور محمد فرید عبدالله، مكتبة الهلال، بیروت، بی تا.
۳۲. صدیق حسن خان، البلغة الى اصول الفقه، تحقیق احمد السامرائی، جامعة تكريت، بی تا.
۳۳. صفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، دار إحياء التراث العربی بیروت، ۲۰۰۰ م.
۳۴. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، اسماعیلان، قم، ۱۳۹۳ ق.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۶. طریحی، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، انتشارات کتابخانه مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۷. عاملی أحمد رضا، مولد اللغة، بیروت، دار المكتبة الحیاء، بیروت ۱۹۵۶ م.
۳۸. عبد الحمید، مصادر اللغة، منشورات المنشأة العامة للنشر و التوزیع و الاعلان، الطبعة الثانية ۱۳۹۱ ق.
۳۹. عبده الراجحی، فقه اللغة فی الكتب العربیة، دار المعرفة الجامعیة الاسكندریة ۱۹۹۳ م.
۴۰. عراقی، ضیاء الدین، الاجتهاد و التقليد، ناشر نوید اسلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۴۱. عزالدین اسماعیل، المصادر الادبیة و اللغویة فی التراث العربی، مكتبة اللغة و الادب ۲۰۰۳ م.
۴۲. غانم قدوری، ابحاث فی العربیة الفصحی، دار عماد عمان، ۱۴۲۶ ق.
۴۳. قفطی، إنباه الرواة علی أنباه النحاه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة، دارالكتب والوثائق القومیة، الطبعة الثانية ۱۴۲۶ ق، ۲۰۰۵ م.
۴۴. فخرانی، ابوالسعود، مظاهر منهجیة فی فائق زمخشری، جامعة الأزهر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، كتاب العين، ۹ جلد، نشر هجرت - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ۲ جلد، موسسه دار الهجرة - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴۷. مجاهد مرداوی عبدالکریم، مناهج التالیف المعجمی عند العرب معاجم المعانی و المفردات، دارالثقافه للنشر و التوزیع عمان، چ اول، ۱۴۱۳ ق.

فارسی

۱. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، سمت، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲. عنایتی راد، محمد جواد، زبان شناسی دین در نگاه المیزان، پژوهش های قرآنی، مشهد، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ش ۴.

۳. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴. ملکی نهاوندی، آموزش مفردات قرآن و حدیث و لغت عمومی عرب، انتشارات وثوق، قم ۱۳۹۷ش.
۵. طیب حسینی سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم ۱۳۹۰ش.